

یادداشت‌هایی بر یک فرمان دوره تیموری مربوط به سال ۷۹۸ق / ۱۳۹۶م^۱

نویسنده: جان ائی وودز^۲

مترجم: اکبر صبوری^۳

در حال حاضر، تنها پنج سند اصلی از زمان تیمور برلاس یا تیمور لنگ (۱۳۳۶-۱۴۰۵/۷۳۶-۸۰۷) - جنگاور فاتح آسیای میانه - که همگی معروف هستند، باقی مانده است. اگرچه بسیاری از نامه‌های دیگر و اسناد دولتی بعدها در رویدادنگاری‌ها و دفاتر سلطنتی گردآوری شدند، ولی این اسناد، آثار آرشیوی منحصر به فرد موقتی را درباره این دوره ارائه می‌کنند. آنها به ترتیب زمانی در ذیل ذکر می‌گردند.

۱. اعطای جلفا به عنوان سیورغال به شیخ دورسون مراکانی از طرف امیرانشاه یا میرانشاه بن تیمور در ۸ ژوئن یا ۴ جولای ۱۳۹۶/۱ یا ۲۷ رمضان ۷۹۸. آرشیو تویقاپی سرایی، استانبول، سند شماره ۲۰۰۱ (چاپ نشده است).^۴

۲. وقف تیمور به آرامگاه شیخ احمد یسوی در ترکستان، بدون تاریخ، اما احتمالاً در اواخر ۷۹۰/۱۳۹۰ ش است، مؤسسه مطالعات شرقی، آکادمی علوم ازبکستان، تاشکند، ۵، ردیف ۷، وقف شماره ۱۱۰ (چاپ نشده است).

۱. این مقاله ترجمه‌ای است از:

Turco-Iranica II: notes on a Timurid Decree of 1396/798, Journal of Near Eastern Studies 43,4(1984): 331-37.

۲. استاد بخش تاریخ دانشگاه شیکاگو.

۳. دانشجوی دکتری ایران بعد از اسلام، دانشگاه خوارزمی تهران.

4. Fekete, Einführung in die persische Paläographie, 101 persische Dokumente ed. G. Hazai(Budapest, 1977), Document 1, pp. 63-65, pl. 1.

۳. تأییدیه مفصل تیمور درباره اعطای سیورغال به شیخ دورسون در سند شماره یک، ۳ سپتامبر ۱۴۰۱/۲۴ محرم ۸۰۴، آرشیو توپقاپی سرای، استانبول، سند شماره ۹۶۶۴ (چاپ نشده است).^۱

۴. مکتوب تیمور به بایزید اول سلطان عثمانی، بدون تاریخ، اما احتمالاً مربوط به سال ۸۰۴/۱۴۰۲ است، آرشیو توپقاپی سرای، استانبول سند شماره ۱۰۷۵۰ (چاپ نشده است).^۲

۵. نامه تیمور به شارل ششم، ۱ اگوست ۱۴۰۲/۱ محرم ۸۰۵، آرشیو ملی، پاریس، جی ۹۳۷ (چاپ نشده است).^۳

دو امتیاز واگذار شده به شیخ دورسون در سال ۷۹۸/۱۳۹۶ و ۸۰۴/۱۴۰۱ مربوط به شهر جلفا و توابعش است، جایی واقع در مرز بین ایران و ایالت خودمختار نخجوان. آن امتیازات درباره گروهی از اسناد منتشر شده در خصوص آذربایجان از ایالات تیموری طی سال‌های ۱۳۹۶-۱۴۳۴/۷۹۸-۸۳۸ است که در ارتباط با شیخ دورسون و عقباش در جلفا است، اما به طریقی به آرشیوهای سلطنتی عثمانی در استانبول راه یافته‌اند.^۴

اعطای میرانشاه در سال ۷۹۸/۱۳۹۶ که اندک زمانی پس از حکمرانی او در آذربایجان صادر شد، بنابراین هم نخستین سند به جای مانده از دوره تیموری و هم نخستین قطعه در مجموعه شیخ دورسون است. این مقاله اینک بر جنبه‌های خاصی از این فرمان و شکل انتشار آن، متمرکز خواهد بود.

متأسفانه، در استنساخ برگ شماره ۱۲۰۰۱ در جی. حزای ویراست محقق مجارستانی در اثر منتشر شده ال. فکته به نام Einführung in die persische Palaographie، سه اصطلاح و عنوان فنی وجود دارند که به خاطر مشکل قرائت خط نستعلیق که سند با آن خط نوشته شده، اشتباه تفسیر شده‌اند. این اشتباهات در استنساخ عبارات مغولی و ترکی یرلیغندین، هودبری و ایاتی به ترتیب در سند اصلی، در سطور یک، هفت و نه، دیده می‌شوند (رک: i, fig. 1, Facsimile). براساس خط اول در قسمت عنوان و خطوط پنجم و هشتم در قسمت رونوشت، این عوامل به نوبه خود بر ترجمه و تفسیر و ترجمه سند به طور مخربی تأثیر می‌گذارند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. Fekete- Hazai, Einführung, Document 3, pp. 71-75, pls. 3-5.

۲. همچنین رک: فریدون بیگ، احمد، منشآت السلاطین، ۲ جلد (استانبول، ۵۹-۷۵/۱۸۵۷-۱۲۷۴)، ج ۱، ص ۳۱-۱۲۸. سند دیگر در توپقاپی سرای کتابخانه فاتح پیدا شده، برگ ۳۱۷۷، که ظاهراً یک رونوشت آرشیوی از نامه عربی تیمور به سال ۷۹۵/۱۳۹۳ یا ۷۹۶/۱۳۹۴ به بایزید اول و پاسخ بایزید به اوست، آن همچنین در منشآت فریدون بیگ، ج ۱، ص ۲۱-۱۲۰ نیز موجود است.

۳. Sylvestre de Sacy, "Memoire sur une correspondance inedite de amerlan avec Charles VI," Memoires de l'Institut Royal de France, Academie des Inscriptions et Belles-Letters 6(1822);

محمد قزوینی، نامه امیر تیمور کورگان به شارل ششمش، پادشاه فرانسه، کاوه، ۲ (۱۹۲۱/۱۳۳۹): ۳-۶.

۴. علاوه بر اسناد ذکر شده در پاورقی های ۱ و ۲ فوق الذکر، همچنین رک: Fekte-Hazai, Einführung, Document 2, pp. 67-69, pl. 2; Document 5. pp. 87-88, pls. 11-12.

یرلیغندین

به گفته فیکته جزای (Fekete-Hazai)، عنوان برگ شماره ۱۲۰۰۱، سلطان محمودخان بن زین‌العابدین، امیرانشاه کورگان خوانده می‌شود. سوزمیز (= به فرمان ما)، سلطان محمود خان به زین‌العابدین امیرانشاه کورگان. پس «سوزمیز»، یک یادداشت توضیحی است که زین‌العابدین، فردی که به طور خاص در سطر چهارم تاییدیه تیمور ذکر شده، برگ شماره ۹۶۶۴، را مشخص می‌کند.^۱ به هر حال، این قرائت احتمالاً درباره اینکه آیا نام زین‌العابدین با غلط املائی نوشته شده و اینکه آیا این چنین عنوانی با نخستین اقدام معروف دفترخانه ای تیموریان یا به طور کلی غیر منطبق با سیاست‌های ایرانی است، سؤال برانگیز است. در رابطه با موضوع دوم، گوترفید هرمان، توجه ما را به دیگر فرمان امیرانشاه به تاریخ ۳ اکتبر ۷۱۳۹۴/ ذی‌الحجه ۷۹۶ جلب میکند و آن فرمان در مجموعه مکاتبات یوسف اهل با عنوان فراید غیائی، دقیقاً با چنین عنوانی آغاز می‌شود، «سلطان محمود خان یرلیغندین. امیرانشاه کورگان سوزمیز به دستور سلطان محمودخان؛ فرمان امیرانشاه کورگان».^۲

این پیش‌نویس اسناد، مشروعیت سیاسی حفظ شده در زمان تیمور را منعکس می‌سازد، او که شخصاً نمی‌توانست مدعی حکمرانی شود، سلطنت را به نام یکی از اعیان چنگیزخان کرد. به طور مثال تیمور پس از دستیابی به قدرت در ماوراءالنهر به سال ۷۷۱/۱۳۷۰، سیورغتمیش از شعبه اوکتای، فرزند سوم چنگیز را به تخت سلطنت نشاند و موقعی که سیورغتمیش در سال ۷۹۰/۱۳۸۸ مُرد، تیمور فرزند وی محمودخان را به عنوان خان دست‌نشانده به جایش برگزید. روی سکه‌ها، هم اسامی مقامات دست‌نشانده- گاهی با اصطلاح ترکی یرلیغندین «فرمانش» آمده- و هم حق تقدم تیمور، به عنوان امتیاز قانونی سلطنت ضرب شده است.^۳ همچنین خطابه گروهی، دیگر حق مشروع حکمران، به عنوان یکی از عوامل انتقال‌دهنده این ایدئولوژی قدرت عمل کرد: در اوج یورش به هندوستان در دهلی در روز جمعه ۲۰ دسامبر ۷۱۳۹۸/ ربیع‌الثانی ۸۰۱ آن خطابه به نام‌های سلطان محمود خان، تیمور و محمد سلطان، نوه و وارث مسلم تیمور، ایراد گردید.^۴ این

۱. احتمالاً این فرد سید زین‌العابدین بن نظام‌الدین چون آبادی قهستنی است. رک: بی‌نا، معزالانساب، نسخه پاریس، کتابخانه ملی، پاریس ۶۷، برگ‌های ۹۸b، ۱۲۹a، ۱۳۵b؛ و فصیح احمد خوافی، مجمل فصیحی، به تصحیح محمود فرخ (مشهد، ۶۲-۱۹۶۰/۱۳۳۹)، ج ۳، ص ۱۴۹، ۱۶۰، ۱۸۰، ۲۰۰، ۲۵۳، ۲۵۷، ۳۶۰.

2. G. Herrmann, "Zur Intitulatio Timuridischer Urkunden," verlage des XVIII, deutschen Orientalistentages, ZDMG, Supplement 2(Wiesbaden,1974),504.

برای یرلیغندان رک:

G.Doerfer, *Turkische und mongolische Elemente im Neupersischen*, 4 vols, (Wiesbaden,1963-75, vol4.p,159).

دو جلد فراید غیائی توسط همکارم حشمت مؤید (تهران، ۷۹-۱۹۷۷/۲۵۳۷-۱۳۵۸-۱۳۵۶)، چاپ شده است، که از سر لطف، کپی دست‌نوشته هایش را پیش از چاپ در اختیارم قرار دادند.

3. S. Lane- Poole, *The Coinage of Bukhara (Transoxiana) in the British Museum from the Time of Timur to the Present Day*(London,1882),pp.4-20.

۴. نظام‌الدین شامی، تاریخ فتوحات امیر تیمور کورگان معروف به ظفرنامه، به سعی و اهتمام و تصحیح فلیکس

دیدگاه در خصوص سلسله مراتب اداری در دوره امپراتوری تیموری در عنوان سند دیگری از فرایند غیائی که توسط گو تفرید هرمان استناد شده و تاریخ آن ۱۷ اکتبر ۱۴۰۱/۹ ربیع‌الاول ۸۰۴ است، نیز منعکس شده: سلطان محمودخان یرلغیندان، امیر تیمور کورگان سوزمیزدن، سلطان محمد بهادر سوزمیز «به دستور سلطان محمود خان؛ به فرمان امیر تیمور کورگان؛ محمد سلطان بهادر، به فرمان ما»^۱.

شایان ذکر است که در سال ۷۹۶/۱۳۹۴ و ۷۹۸/۱۳۹۶ در فرامین میرانشاه نام تیمور در ردیف دوم عنوان حذف شده، گویا اعلام شده است که میرانشاه قدرتش را مستقیماً از سلطان محمودخان، سلطان دست‌نشانده از نسل چنگیزخان و از برادر زنش، به واسطه پدرش گرفته است.^۲ علاوه بر این، درباره تیمور لقب کورگان، «داماد امپراتور» به منزله پیوند شخصی میرانشاه با خاندان چنگیزخان مورد تأکید قرار گرفته است. سرانجام پیش‌نویس دیگری جایگاه محمود سلطان را تأیید می‌کند. اگرچه متأسفانه مدرک بسیار اندکی برای پاسخ قطعی به سؤالات مطرح شده از این منظر وجود دارد، عناصر موجود از بیوگرافی میرانشاه یقیناً تحقیقات بیشتری را در خصوص اهمیت آنها می‌طلبد.

میرانشاه، سومین فرزند تیمور، در حدود سال ۷۶۸/۱۳۶۷ ولادت یافت؛ مادرش، جاریه، دخترخان از طایفه جوانی (جانی) قربانی بود.^۳ در سال ۷۸۲/۱۳۸۰، او به حکمرانی ولایت خراسان منصوب شد، مقامی که او آن را تا سال ۷۹۸/۱۳۹۶، زمانی که به حکومت آذربایجان و مرزهای غربی امپراتوری منصوب شد، حفظ نمود.^۴ او همچنین در تعدادی از لشکرکشی‌های پدرش در آسیای میانه، افغانستان، غرب و شرق ایران، قفقاز، جنوب روسیه، عراق و آناتولی نقش قابل توجهی ایفا نمود، اما در لشکرکشی به هندوستان که پیش از این اشاره شد، شرکت نداشت.

با مرگ برادر بزرگش عمرشیخ (۹۴-۹۶/۱۵۴-۷۵۵)، میرانشاه بیست و هفت ساله، بزرگ‌ترین فرزند و خلف تیمور شد، اما شاید به سبب پایگاه نازل مادرش، نادیده انگاشته شد. تیمور، محمد سلطان فرزند جهانگیر (۷۶-۷۷/۱۳۵۶-۷۵۷) را به جانشینی برگزید، تنها فرزند تیمور که از همسرش قانونی‌اش به سن جوانی رسیده بود. این بی‌اعتنایی حتی مایه رنجش بیشتر میرانشاه شد، زیرا محمد سلطان همچنین فرزند خوانده‌اش بود، چون میرانشاه با زن بیوه جهانگیر، مادر محمد سلطان، سوپون بیگ از قنقیرات‌ها، مشهور به خانزاده، بعد از مرگ برادر ناتنی‌اش، ازدواج کرده بود. مجموعه این روابط در نمودار شماره یک نشان داده شده‌اند.

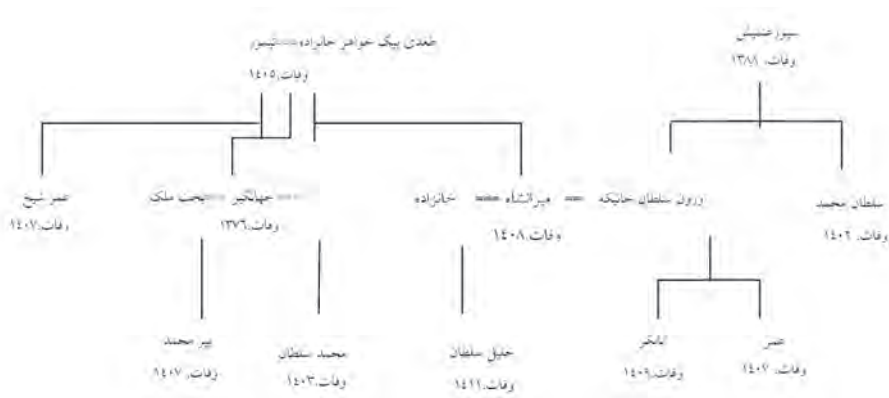
تاوثر، دو جلد (پراگ، ۵۶-۱۹۳۷)، ج ۱، ص ۱۹۲.

1. Herrmann, "Intitulation," P.505.

2. Doerfer, Elemente. Vol. I, pp.475-77.

۳. معزالانساب، برگ‌های ۹۸، ۱۰۰، b1.

۴. شامی، ظفرنامه، ج ۱، ص ۸۱ و ۱۳۶؛ شرف‌الدین علی یزدی، ظفرنامه، به تصحیح محمد عباسی (تهران، ۱۳۳۶/۱۹۵۷)، ج ۱، ص ۲۲۵ و ۴۴۵؛ خوافی، مجمل فصیحی، ج ۳، ص ۱۳۹؛ غیاث‌الدین خواندمیر، حبیب‌السییر، چهار جلد به تصحیح جلال‌الدین همایی و محمد دبیر سیاقی (تهران، ۱۳۳۱/۱۹۵۴)، ج ۴، ص ۳۹۶ و ۴۸۱.



نمودار شماره ۱:

خانواده جهانگیر و میرانشاه

در گاه‌نگاری‌های متأخر دوره تیموری اظهار شده است که میرانشاه به هنگام شکار در حوالی تبریز در سال ۷۹۸/۱۳۹۷ از اسبش افتاد و به شدت زخمی شد. در نتیجه این حادثه، دچار اختلال حواس گردید، و رفتارش به نحو فزاینده‌ای تحت تأثیر بعضی از نزدیکانش، عجیب و غریب شد. نمونه‌های بی لیاقتی‌اش عبارتند از: اقدامات نظامی غیر معقول، خود سربری در اداره امور، اسرافکاری، ویرانی دیوانه‌وار بناهایی در تبریز و سلطانیه. علاوه بر این، اقدامات او همسرش خانزاده را ترغیب کرد که مستقیماً از او نزد تیمور در سمرقند شکایت برد. گزارش خانزاده از تخلفات میرانشاه به نحو قابل توجهی باعث شد او به عنوان فرد باغی و ملغی کننده فرمان (یاساق) تیمور شناخته شود.

در سال ۸۰۲/۱۳۹۹، تیمور به شخصه برای مرتفع ساختن مسائل آذربایجان وارد عمل شد. میرانشاه از حکمرانی آذربایجان برکنار شده، از ملازمتش محروم گردید و تحت بازداشت خانگی قرار گرفت؛ چند تن از درباریان متهم به همکاری شده و اعدام گردیدند.^۱ به خاطر این مسئله آذربایجان مستقیماً تحت کنترل شخص تیمور درآمد، که او مجبور شد اعطاهایی نظیر شیخ دوسون را در اداره سابق مورد تأیید قرار دهد. امیرانشاه، تیمور را در لشکرکشی ضد مملوکان سوریه در سال ۸۰۱-۱۴۰۰/۳-۸۰۲ همراهی نمود، در فتح دوباره بغداد در سال ۸۰۳/۱۴۰۱ شرکت کرد، و با قوای آذربایجان در جنگ علیه قوای عثمانی در نبرد آنکارا ۸۰۴/۱۴۰۲ حاضر بود. در سال ۸۰۶/۱۴۰۴ آذربایجان به همراهی بخش‌هایی از عراق عجم، قفقاز و آناتولی به عمر شیخ بهادر فرزند میرانشاه تفویض شد.^۲ امیرانشاه تحت سرپرستی دیگر پسرش ابابکر درآمد

۱. شامی، ظفرنامه، ج ۲، ۱۴۶؛ یزدی، ظفرنامه، ج ۲، ص ۱۴۷؛

۲. برای رونوشت فرمان تیمور رک:

که تیمور یک سال پیشتر آذربایجان، عراق و آناتولی را به او تفویض کرده بود.^۱ گزارش اختلال حواس میرانشاه در ظفرنامه شامی، نخستین گاه‌نگاری دوره تیموری، دیده نمی‌شود. این امر جالب توجه نیست، چرا که این اثر یکی از دو منبعی است که برای عمر شیخ فرزند امیرانشاه تهیه شده. گاه‌نگارهای اخیر تحت حمایت دیگر درباریان تیموری نوشته می‌شدند که هیچ احساس تأسفی درباره گزارش روایات متداول مخالف نسبت به خانواده امیرانشاه نداشتند. با وجود تکرار داستان‌هایی درباره دیوانگی شاهزاده و اشاره به خرابی‌های تبریز و سلطانیه، کلاوی خوی سیاح، سفیر اعزامی اسپانیا به دربار تیمور در سال ۸۰۵/۱۴۰۳، همچنین از طرحی توسط امیرانشاه و فرزندش خلیل سلطان، ابابکر و عمر شیخ برای تصاحب امپراتوری بر خلاف خواسته‌های تیمور صحبت می‌کند.^۲ تیمور اندکی پیش از مرگش در سال ۸۰۷/۱۴۰۵، با زیرپا گذاشتن قانون فرزند ارشد، برادر ناتنی محمد سلطان متوفی به نام پیرمحمد را به جانشینی برگزید.^۳ در زمان آشوب‌های دوران فترت، امیرانشاه در عمل امپراتوری را برای یک دوره کوتاه در چند شهر عراق عجم تأیید کرد، اما حمایت از ادعایش بزودی زایل شد.^۴ ناکامی سیاسی‌اش سرانجام هنگامی که او در نبرد با ترکمانان قراقویونلو در سال ۸۱۰/۱۴۰۸ به قتل رسید، خاتمه یافت.

بنابراین قابل تصور است که حذف نام‌های تیمور و محمد سلطان از پیش‌نویس‌های فرامین ۷۹۶/۱۳۹۴ و ۷۹۸/۱۳۹۶ نخستین ادعای میرانشاه را تشکیل می‌دهد؛ چیزی که او حق مشروع خود در خاندان تیموری بعد از مرگ عمر شیخ می‌دانست. اگر این مورد حقیقت داشته باشد، داستان دیوانگی‌اش را احتمالاً بایستی با کمی شک و تردید نگریم، برای اینکه هیچ منبعی رفتار غیر معمولی را به او در هیچ زمانی بعد از برکناری‌اش از حکومت آذربایجان نسبت نمی‌دهد. با این همه مسئله اختلاف سیاسی و شورش همراه با دیوانگی، به طور قطع یک کار عجیب بزرگ در تاریخ نیست.

هودبری

در سطر هشتم نسخه خطی... و متوجهات آنجا را به قرار متوجهی بستانده... این گونه ترجمه شده است: "und Abgaben gemäß der Abgaben- Festsetzung erhalte....". کلمه متوجهات باید هودبری خوانده شود، «هدیه عروسی» و ترجمه آن به «گرفتن درآمدهای آنجا به عنوان هدیه...»^۵ تغییر یافته است. این اصطلاح مغولی همچنین در برگ شماره ۹۶۶۴ دیده می‌شود، جایی که آن به صورت

F. Tauer, ed. "Continuation du Zafarname de Nizamuddin Sami par Hafiz-I Abru...", Archive Orientalni 6(1934);434-35.

۱. شامی، ظفرنامه، ج ۱، ۷۹-۲۷۸؛ یزدی، ظفرنامه، ج ۲، ۶۹-۳۶۸.

2. Roy Gonzales de Clavijo, Embajada a Tamorlan, ed. F.I. Lopez Estrada(Madrid,1943), pp108,114-16 and 230-33, Cf

برای مثال، تاج‌السلطانی، شمس‌الحسن، به تصحیح هانس روبرت رویمر (ویسبادن، ۱۹۵۶)، برگ ۶۵-۶۶.

۳. السلطانی، شمس‌الحسن، برگ ۳۳؛ یزدی، ظفرنامه، ج ۲، ص ۴۶۶.

۴. حافظ ابرو، مجمع / زبده‌التواریخ بایسنقری، استانبول، فاتح ۱/۳۷۱، برگ ۳۷۸.

5. Doerfer, Elemente, vol, I, pp 537-38.

دو کلمه هوته بری در سند هجا گذاری شده است، اما به اشتباه در سطر دوازده به عنوان سوپوت نویان^۱ گرته برداری شده است. علاوه بر این دو سند یافت شده، به ندرت با دیگر اسناد قرون چهارده و پانزده/ هشت و نهم برخورد می‌کنیم، به هر حال در اواخر ۸۹۳/۱۴۸۸ یک سند اعطایی از سلطان یعقوب آق قویونلو یافت شده است.^۲

ایناتق

سردفتر اسناد رسمی یا کاتب اسناد، هم در سطور آخر نسخه فکته حزای و هم در ترجمه به شکل «دولت خواجه اتاتق» خوانده می‌شود. شخص مورد بحث دولت خواجه، فرزند ایلچی بوقا قوچین و برادرزاده عمر بن تابان است.^۳ همراه عمویش عمر دولت خواجه یک کارمند مهم در دستگاه اداری میرانشاه بود، پست‌هایی نظیر وزیر، نایب و مهرداری را در اختیار داشت. منابع دست اول همچینین به او لقب ترکی مغولی / ایناتق^۴ یعنی محرم، صمیمی می‌دهند که نشانگر نزدیکی او به خاندان حاکم است و این لقب که در جز دوم نامش در سند آمده، اتاتق نیست

یادداشت آخر، درباره برداشت از این سند در معرفی (Einführung) فکته حزای در خصوص کتابت است. نشانگر این است که سند در اصل به تاریخ غره رمضان المبارک، یکم رمضان ۷۹۸ برابر با ۸ ژوئن ۱۳۹۶ است. تاریخ بعدی ۲۷ رمضان/۴ جولای، به جای اینکه هجی شود، با اشکال نشان داده شده است که امر معمول در امور سیاسی این دوره است. ظاهراً تاریخ دیگری اضافه شده است. در هر صورت، کاربرد کلمه غره به مفهوم «روز» به آن صورت که در قسمت توضیح ترجمه، یعنی «اولین روز ماه» آورده شده است، در جای دیگری از متن مصداق، مشابهی ندارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

1. Fekete-Hazai, Einführung, pp, 72-73.

۲. رک:

Minorsky, "A Soyurghal of Qasim b. Jahangir(903/1498)," Bulletin in the School of Oriental and African Studies 9(1939):945

یک کپی از این سند توسط حسن فسائی (همو، فارسنامه نصیری، تهران، ۱۳۱۳/۱۸۹۶)، ص ۸۲، که در اینجا «هو جاری» خوانده میشود، ارائه شده است. برای اصل سند همراه با ترجمه حسین مدرسی طباطبایی رک به: (همو، فرمان‌های ترکمانان قراقویونلو و آق قویونلو، قم، ۱۳۵۲/۱۹۷۳)، ص ۱۰۳، سند برگ شماره ۷.

۳. شامی، ظفرنامه، ج ۱، ص ۲۵۵؛ ج ۲، ص ۱۴۸؛ سلمانی، شمس الحسن، برگ b۹۲، a-b۹۳، a-b۱۳۱؛ بی‌نام، معزالانساب، برگ b۱۲۵؛ یزدی، ظفرنامه، ج ۲، ص ۱۵۰، ۳۰۴، ۳۵۰ و ۳۶۹.

4. Doerfer, Elemente, vol 2. Pp217-19; Sir Gerard Clauson, An Etymological Dictionary of pre-Thirteenth-Century Turkish (Oxford, 1972), pp182-83.

برگ شماره ۱۲۰۰۱، آرشیو تویقایی سرایی

۱	سلطان محمود یرلیغندین
۲	امیرانشاه کرکان سوزمیز
۳	سلطان سنجر و توشمالان و عمال و متصرفان اموال
۴	تومان نخچوان بداند که چون شیخ درسون به وظایف خدمات (۵) پسندیده قیام نموده و درین مدت طریقه جان سپاری مسلوک داشته (۶) متوجهات قریه جولاهه را بدو سیورغال فرمودیم تا از ابتدای سیچقان ثیل مال (۷) و متوجهات آنجات را بقرار متوجهی بستانده بوجه معاش و اخراجات خود صرف نماید (۸) می باید که برین موجب بتقدیم رسانند و تغییر و تبدیل بدان راه ندهند (۹) پروانه دولت خواجه اتاق (۱۰) درین باب تقصیر ننمایند و چون بتوقیح همیون (۱۱) موشح و موضع گردد اعتماد نمایند.
۵	موضع قریه جولاهه را بدو سیورغال فرمودیم تا از ابتدای سیچقان ثیل مال (۷) و متوجهات آنجات را بقرار متوجهی بستانده بوجه معاش و اخراجات خود صرف نماید (۸) می باید که برین موجب بتقدیم رسانند و تغییر و تبدیل بدان راه ندهند (۹) پروانه دولت خواجه اتاق (۱۰) درین باب تقصیر ننمایند و چون بتوقیح همیون (۱۱) موشح و موضع گردد اعتماد نمایند.
۶	موضع قریه جولاهه را بدو سیورغال فرمودیم تا از ابتدای سیچقان ثیل مال (۷) و متوجهات آنجات را بقرار متوجهی بستانده بوجه معاش و اخراجات خود صرف نماید (۸) می باید که برین موجب بتقدیم رسانند و تغییر و تبدیل بدان راه ندهند (۹) پروانه دولت خواجه اتاق (۱۰) درین باب تقصیر ننمایند و چون بتوقیح همیون (۱۱) موشح و موضع گردد اعتماد نمایند.
۷	موضع قریه جولاهه را بدو سیورغال فرمودیم تا از ابتدای سیچقان ثیل مال (۷) و متوجهات آنجات را بقرار متوجهی بستانده بوجه معاش و اخراجات خود صرف نماید (۸) می باید که برین موجب بتقدیم رسانند و تغییر و تبدیل بدان راه ندهند (۹) پروانه دولت خواجه اتاق (۱۰) درین باب تقصیر ننمایند و چون بتوقیح همیون (۱۱) موشح و موضع گردد اعتماد نمایند.
۸	موضع قریه جولاهه را بدو سیورغال فرمودیم تا از ابتدای سیچقان ثیل مال (۷) و متوجهات آنجات را بقرار متوجهی بستانده بوجه معاش و اخراجات خود صرف نماید (۸) می باید که برین موجب بتقدیم رسانند و تغییر و تبدیل بدان راه ندهند (۹) پروانه دولت خواجه اتاق (۱۰) درین باب تقصیر ننمایند و چون بتوقیح همیون (۱۱) موشح و موضع گردد اعتماد نمایند.
۹	موضع قریه جولاهه را بدو سیورغال فرمودیم تا از ابتدای سیچقان ثیل مال (۷) و متوجهات آنجات را بقرار متوجهی بستانده بوجه معاش و اخراجات خود صرف نماید (۸) می باید که برین موجب بتقدیم رسانند و تغییر و تبدیل بدان راه ندهند (۹) پروانه دولت خواجه اتاق (۱۰) درین باب تقصیر ننمایند و چون بتوقیح همیون (۱۱) موشح و موضع گردد اعتماد نمایند.
۱۰	موضع قریه جولاهه را بدو سیورغال فرمودیم تا از ابتدای سیچقان ثیل مال (۷) و متوجهات آنجات را بقرار متوجهی بستانده بوجه معاش و اخراجات خود صرف نماید (۸) می باید که برین موجب بتقدیم رسانند و تغییر و تبدیل بدان راه ندهند (۹) پروانه دولت خواجه اتاق (۱۰) درین باب تقصیر ننمایند و چون بتوقیح همیون (۱۱) موشح و موضع گردد اعتماد نمایند.
۱۱	موضع قریه جولاهه را بدو سیورغال فرمودیم تا از ابتدای سیچقان ثیل مال (۷) و متوجهات آنجات را بقرار متوجهی بستانده بوجه معاش و اخراجات خود صرف نماید (۸) می باید که برین موجب بتقدیم رسانند و تغییر و تبدیل بدان راه ندهند (۹) پروانه دولت خواجه اتاق (۱۰) درین باب تقصیر ننمایند و چون بتوقیح همیون (۱۱) موشح و موضع گردد اعتماد نمایند.

پژوهشگاه تخصصی زبان و ادبیات فارسی
 رتال جامع علوم انسانی

بازخوانی متن فرمان فوق

- (۱) سلطان محمود یرلیغندین
- (۲) امیرانشاه کرکان سوزمیز

(۳) سلطان سنجر و توشمالان و عمال و متصرفان اموال (۴) تومان نخچوان بداندند که چون شیخ درسون به وظایف خدمات (۵) پسندیده قیام نموده و درین مدت طریقه جان سپاری مسلوک داشته (۶) متوجهات قریه جولاهه را بدو سیورغال فرمودیم تا از ابتدای سیچقان ثیل مال (۷) و متوجهات آنجات را بقرار متوجهی بستانده بوجه معاش و اخراجات خود صرف نماید (۸) می باید که برین موجب بتقدیم رسانند و تغییر و تبدیل بدان راه ندهند (۹) پروانه دولت خواجه اتاق (۱۰) درین باب تقصیر ننمایند و چون بتوقیح همیون (۱۱) موشح و موضع گردد اعتماد نمایند.

تحریراً فی رمضان المبارک ثمان تسعین سبعمئه